

صلح، نقطه بی اعتمادی!

عبدالله هروی



روند صلح بریده و به صراحت بیان دارند که اصلا چیزی بنام «روند صلح» وجود خارجی عینی ندارد. اعلام بی اعتمادی به روند صلح و خروج از جرگه چهارجانبه آشکار ترین نشانه هایی است که بی برنامه‌گی و بی هدفی روند را از آغاز تاکنون بر ملا می‌سازد. حال آنکه روند صلح و حمایت از آن، باید بر اساس یک درک و برداشت روشن و مشخص بودن چارچوب سیاسی آن از سوی طرف‌های قضیه، بخصوص حکومت افغانستان که جانب اصلی هرنوع مذاکره برای صلح شش‌جانبه می‌شود و پاسخگوی مردم می‌باشد، با یک استراتژی دقیق، دنبال گردد... در این صورت می‌توان تا اندازه ای امیدوار بود که روزنه‌ای برای گشودن گره کور «صلح» بوجود آید. در غیر این صورت، صلح با همه زیبایی و روشنی بخشی آن، تاریک از صحنه‌های جنگ و دود خواهد بود.

اینک که قضایای صلح بدینجا رسیده است به نظر می‌رسد حکومت وحدت ملی باید این نقطه ضعف را بدل به نقطه قوت نماید و آن اینست که توان اراده خود را در جهت تقویت بیش از پیش نیروهای امنیتی بکار اندازد. وزارت دفاع را بعنوان یکی از مهم ترین نهاد امنیتی از حالت سرپرستی خارج سازد. میان نیروهای امنیتی انسجام باز ستاند. در عرصه تبلیغات نیز بکوشد تا با حمایت همه جانبه از نیروهای امنیتی اعتماد و بساورد مندی را در نیروهای امنیتی بوجود آورد که حکومت بسا تمام توان در حمایت از آنان و خانواده‌های شان می‌باشد. هم چنین با تشدید عملیات‌های تهاجمی فرصت سازماندهی را از مخالفین باز ستاند. در عرصه تبلیغات نیز بکوشد تا با برجسته ساختن واقعیت افکار عمومی و خصوصی در داخل و خارج از کشور را نسبت به حقایق آشنا گرداند. با تشدید و دقت در هدف تبلیغاتی، فرصت را از مخالفین گرفته و اجازه ندهد که آنان با اغواگری و دروغ پردازی جوانان کشور را بسوی خود بکشانند. حال دیده شود که با تشدید جنگ‌های پنهانی در کتدر و هلند و دیگر نقاط کشور مسئولان حکومت وحدت ملی تا چه اندازه درایت و دلسوزی خود را نسبت به کشور و آینده نظام سیاسی به نمایش خواهند گذارد.

سیاسی قوی برای تحقق صلح نخستین عنصر غایب در این روند دانسته شده است. هرچند هم حکومت و هم جامعه جهانی و حتا مخالفین نیز سخن از گفتگو و پیش کشیدن راه‌های مسالمت آمیز و صلح جویانه را بر زبان آورده و بر آن تاکید می‌ورزند؛ اما واقعیت آنست که تاکنون هیچ یک از طرفین با انگیزه و اراده لازم و قاطع دربراه آن فکر ننموده و راه حلی برای پیش کش نموده اند. همین امر موجب شده است که موضوع صلح و یا نتیجه مشابه یکی بازی بسیار مخفی و فاقد هرگونه در افکار عمومی جلوه نموده و فاقد هرگونه اعتماد و اطمینان در سطح جامعه و حتا در نزد بازیگران سیاسی تبارز یابد. عدم استقلال طالبان، عنصر دیگری است که روند صلح و گفتگو را به بن کشانیده است. در طی این مدت هم حکومت افغانستان و هم برخی از کشورهای غربی مدعی شده اند که طالبان فاقد اراده و اختیار سیاسی اند. آنان برای گفتگو و مذاکره و اتخاذ تصمیم مجبور اند که با کسان دیگر مشورت نموده و در صورت موافقت آنان، احتمال اینکه روند یاد شده رنگ و روایی بخود بگیرد. فقدان اراده سیاسی طالبان

امیدواری هم شود. این خوشی و امیدواری از آن جهت است که با لغو عضویت حکومت افغانستان از مذاکرات چهارجانبه شاید سبب گردد که با اتخاذ روش‌های قاطع نظامی و امنیتی برای مقابله با مخالفین، روحیه نیروهای امنیتی کشور را تقویت نماید. تقویت روحیه نیروهای نظامی و امنیتی در شرایط کنونی که جنگ و ناامنی گسترش و شدت گرفته است؛ و از سوی مخالفین هم اعلام عملیات بهاری خود را بنام «عمری» نموده اند؛ تقویت خواهد شد و انگیزه لازم را در آن‌ها تقویت خواهد کرد. البته این مسئله هم مشروط است، به این موضوع که مسئولان حکومتی و امنیتی و نظامی در هماهنگی و انسجام کامل قرار گرفته و سنجیده عمل نمایند.

همانطور که پیش از این نیز گفته شد همواره آگاهان سیاسی کشور تاکید داشتند که افزون بر مشکلات و نارسایی‌های در ساختار و تخنیک روند گفتگو وجود دارد، غیبت عناصر زیر بعنوان بنیادهای پیش برنده صلح یا گفتگو سبب گردیده است که این روند تاکنون جز تبلیغات سیاسی مشورت نموده و در صورت موافقت آنان، یا به معنای دقیق‌تر بازی سیاسی، فراتر از آن چیزی تصور نگردد. نبود یک اراده‌ی

آخرین اطلاعاتی که راجع به روند صلح در رسانه‌ها نشر گردید است هم غم انگیز است و هم خنده آور. شاید کمتر مواردی چنین ترازدی داشته باشند. روند صلح افغانستان پس از فرازونشیب‌های بسیار، قرار گردید که با هماهنگی و کمک چهار کشور یعنی افغانستان، پاکستان، آمریکا و چین به پیش برده شود. در این راستا جمع بندی چهار نشست، موجب تهیه نقشه راه برای صلح افغانستان شد که عمده ترین فقرات آن دو امر اساسی بود: یکی تعهد پاکستان برای حاضر کردن طالبان بر میز مذاکره و گفتگو و دیگری تعهد چهار کشور برای مقابله با جنگ طالبان. اما با پایان مذاکرات هیچ یک از تعهدات و ماده‌های نقشه راه عملی نشد و سرانجام طالبان مذاکرات صلح را به شدت رد نموده و با اعلام تهاجم بهاری بنام «عمری» فرمان جنگ را بر علیه دولت صادر کردند.

در این میان نه پاکستان از خود حساسیت و تکلیفی نشان داد تا آب رفته روند گفتگوی صلح را به جوی بازگرداند و و کشورهای ضمانت‌کننده‌ای چون چین و آمریکا هم به ابروی خود آوردند تا در برابر جسارت و گستاخی طالبان از خود اتخاذ موضع نمایند حتا در سطح یک اظهار نظر و اعلامیه. اینک در آخرین خبرها از مذاکرات چهارجانبه صلح حاکمی از بی‌بازاری و بی‌اعتمادی حکومت افغانستان نسبت به نتایج این مذاکرات در برقراری صلح در کشور و لغو عضویت از این مجموعه می‌باشد.

اعلام بی اعتمادی و حتا خروج حکومت افغانستان از جرگه چهار کشور روند صلح از سوی می‌تواند خبر ناگوار و تلخی باشد. زیرا طی مدت چندین سال فرصت و توان حکومت و مردم افغانستان در مسیری صرف گردید که در همان اوایل مشخص بود که به نتیجه لازم دست نخواهد یافت. کاش برای وقت گذاشتن و صرف هزینه‌های کلان به خصوص هزینه فرصت و زمان برای گفتگو با مخالفین، حکومت تلاش می‌کرد که آن هزینه و توان را در جهت تقویت و افزایش توانمندی‌های امنیتی و نظامی نیروهای امنیتی بکار می‌برد. بنابراین از دست رفتن فرصت از این روند تاکنون جز تبلیغات سیاسی مشورت نموده و در صورت موافقت آنان، یا به معنای دقیق‌تر بازی سیاسی، فراتر از آن چیزی می‌تواند موجب خوش بینی و

معیارهای مبارزه با فساد باید مشخص شود

محمد رضا هویدا

حکومت افغانستان به صورت پراکنده با فساد اداری مبارزه می‌کند. تدابیری برای مبارزه با فساد اداری از سوی حکومت گرفته شده است، اما استراتژی مشخصی برای مبارزه با فساد اداری که در حال حاضر تمامی ادارات دولتی را در خود غرق کرده است، دیده نمی‌شود. اولین سؤال در برابر اقداماتی که از سوی دولت به منظور مبارزه با فساد طرح می‌شود این است که خود این طرح‌ها دولت برای مبارزه با فساد، قانون و ضمانتی ثابت شده که می‌تواند جلو فساد اداری را بگیرد. به اصطلاح واضح این که؛ از کجا معلوم که این اقدامات خود سبب فساد اداری نشوند؟ چطور می‌توانیم بفهمیم که این اقدامات دولت راه‌های دیگری را برای گسترش فساد اداری باز نکند.

دولت باید معیارها و ملاک‌ها را برای مبارزه با فساد اداری مشخص کند تا بعد از اجرای برنامه‌ها مردم بتوانند ارزیابی کنند که آیا این برنامه‌ها موفق بوده‌اند یا خیر. مثلا یکی از مصادیق فساد اداری وجود تبعیض در ادارات دولتی است. اینکه بخش اعظم کارمندان یک وزارت یا اداره از یک قوم، یک ولایت، یک زبان خاص باشند و از قوم، ولایت، زبان و یا گرایش حزبی خاصی در آن وزارت یا اداره حضور کم‌رنگ و بی‌اثری داشته باشند، مصادیق واضح فساد اداری است. لذا مثلا اگر برنامه‌ای در یک ارگان، وزارت یا اداره خاصی اجرا می‌شود، به این معضل پاسخ داده شود، و بعد از اجرای آن مسئله تعصب و تبعیض علیه شهروندان رفع شود، در این صورت ثابت می‌شود که با فساد اداری مبارزه شده است. ولی اگر با اجرای برنامه مبارزه با فساد، تبعیض و تعصب نهادینه تر شود، و یا اصولا تغییری در وضعیت نامناسب گذشته رخ ندهد، ثابت می‌شود که برنامه مبارزه با فساد، خود فساد را بیشتر کرده و یا اثری در مبارزه با فساد نداشته است.

بنابر این در بسیاری از ادارات دولتی که تا کنون در مورد کارمندان شان، اصلاحات آورده اند، باید تحقیق شود که آیا این اصلاحات عدالت، مساوات و توزیع عادلانه فرصت‌های شغلی را برای عموم شهروندان به ارمغان آورده است، یا بالعکس بر میزان فساد، بی عدالتی و تبعیض افزوده است. ادارات مختلفی در یکی - دو سال اخیر به ریفرم‌هایی دست زده اند، که باید مورد مطالعه قرار بگیرند.

عین مسئله را در مورد برنامه‌های اقتصادی نیز می‌توان مطرح کرد. شاید بسیاری از شهروندان این خبر را به تکرار شنیده باشند که در کمیته ملی تدارکات اعلام می‌شوند. زمانی این ادعاها می‌تواند ثابت شود که تحقیق شود که آیا واقعا آنچه ادعا می‌شود درست است. مثلا در کمیته ملی تدارکات اصول و ارزش‌های ملی برای عقد قراردادهای در نظر گرفته شده است و زمینه‌های فساد در عقد این قراردادهای دیده نمی‌شود؟ و یا اینکه این اقدامات نتیجه‌ای برعکس داده است.

حکومت به طور معمول، ادعا می‌کند، و انتظار دارد تا رسانه‌ها و افکار عمومی گفته‌های حکومت را بپذیرند. در حقیقت بسیاری از ادعاها و برنامه‌های حکومت اغوا کننده و فریب دهنده هستند. کمتر تغییری در برنامه‌های اساسی و زیربنایی حکومت افغانستان دیده می‌شود. اولویت هیچ تغییری نکرده اند. زمینه‌های فساد از بین برداشته نشده اند. تبعیض و بی عدالتی همچنان در اکثر ادارات و برنامه‌ها دیده می‌شوند. اقداماتی از قبیل عزل و نصب‌ها نیز در نبود ملاک‌ها و معیارها راه به جایی نمی‌برند. سلاهیست که با همه تغییر و تحولات، نه در سکتور امنیت تغییری آمده است و در پروژه‌های اساسی و زیربنایی در کشور اصل عدالت و مساوات و توزیع عادلانه ثروت و فرصت و امکانات در نظر گرفته می‌شود.

پناهجویان و آینده مبهم در استرالیا

حسین بهمن

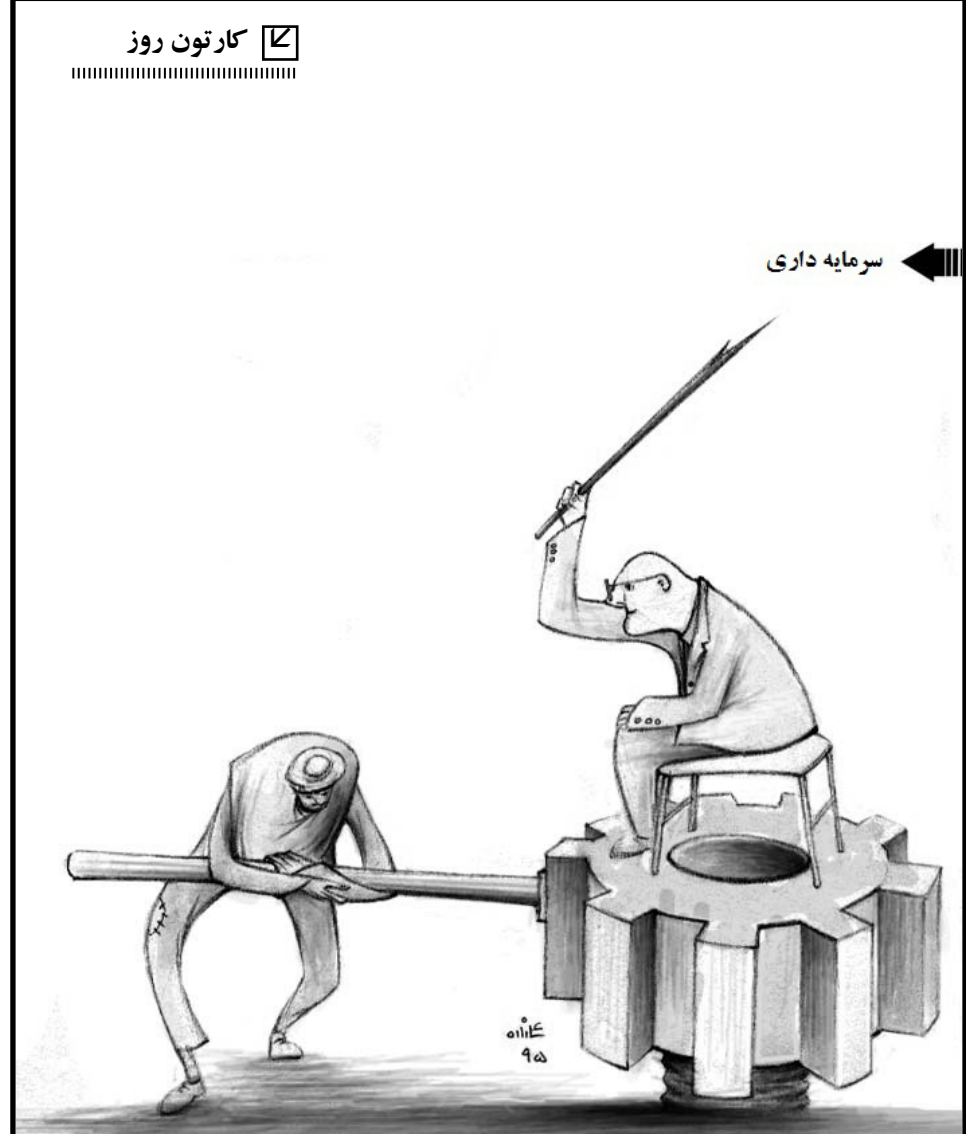


شده و سرنوشت تمامی پناهجویانی چه آنانکه در جامعه استرالیا زنده می‌شوند و چه آنانکه در کمپها به سر می‌برند مشخص می‌شود اما به نظر می‌رسد که این روند به شدت طولانی خواهد بود. با اینهم هنوز قاچاقبران انسان در اندونزی تلاش میکنند که پناهجویان را ترغیب کنند تا به صورت غیرقانونی راهی استرالیا شوند. گزارشها حاکیست که قاچاقبران انسان در اندونزی و مالزی این روزها به شدت تلاش میکنند تا بسه پناهجویان به غلظت بفرمانند که با پایان دوران حکومت مالکوم ترنبل سیاست استرالیا در قبال پناهجویان نیز تغییر خواهد کرد. باید یاد آور شد که این تلاشها به هیچ صورت راه بسه جایی نخواهد بود زیرا پالیسی استرالیا در قبال پناهجویان غیرقانونی به این زودهای قابل تغییر نیست و حتی حکومت استرالیا نیز در حال نمیتواند که به این پالیسی تغییر بیاورد زیرا پالیسی مهاجرتی مخصوص بخش برگرداندن کشتیهای حامل پناهجویان به اندونزی به تایید دادگاه عالی استرالیا نیز رسیده است. دادگاه عالی استرالیا اخیرا لایحه‌ای را تایید کرده است که به اساس آن حکومت استرالیا میتواند تمامی کشتیهای را که پناهجویان غیرقانونی را به استرالیا انتقال میدهد قبل از ورود به استرالیا متوقف و آنان را با سرشناسان آنان بسه اندونزی باز گرداند. روند باز گرداندن کشتیهای حامل پناهجویان به اندونزی دوسال قبل آغاز شد. از زمان آغاز این برنامه تا اکنون دستکم بیست و هشت کشتی و با حدود هفتصد سرنشین قبل از آنکه وارد آبهای استرالیا شوند از سوی نیروهای بحری استرالیا متوقف و دوباره به اندونزی باز گردانده شده است. هرچند پالیسی سختگیرانه حکومت استرالیا علیه مهاجرتهای غیرقانونی به این کشور بارها از سوی نهادهای مدافع حقوق بشر مورد انتقاد قرار گرفته است اما حکومت استرالیا همواره اینگونه انتقادات را رد کرده و گفته است که برنامه‌های سختگیرانه این کشور باعث شده است که از تلفات پناهجویان در مسیر استرالیا جلوگیری شود. به اساس گزارشها از سال ۲۰۰۸ تا سال ۲۰۱۳ دستکم ۱۲۰۰ پناهجو هنگام سفرهای غیرقانونی به استرالیا جانهای شان را دست داده اند اما این رقم از سال ۲۰۱۳ به بعد که حکومت استرالیا پالیسی خود را در قبال پناهجویان تغییر داد به صفر تقرب نموده است.

عدم رسیده گی بموقع به درخواست پناهنده گی پناهجویان در استرالیا همواره از سوی پناهجویان و نهادهای مدافع از حقوق پناهجویان مورد انتقاد بوده است. پیش ازین بارها پناهجویان که در کمپهای استرالیا به سر می‌برند از عدم رسیده گی به موقع به درخواست‌های پناهنده گی شان شکایت کرده بودند اما این بار اول است که یک مقام مسئول حکومت استرالیا تایید میکند که ده ها هزار پناهجو که از سال ۲۰۰۸ میلادی به بعد وارد استرالیا شده اند در بی سرنوشتی به سر می‌برند. پتر داتن وزیر مهاجرت و سرحدات استرالیا میگوید که از مجموع سسی هزار پناهجویی که در زمان حاکمیت حزب گارگر به استرالیا آمده بودند تنها درخواست پناهنده گی ۱۷۰۰ از آنان نهایی شده که تعداد زیاد آنان یا به صورت اجباری و یا به صورت داوطلبانه به کشورهای شان باز گشته اند اما بیش از بیست و هشت هزار پناهجوی دیگر همچنان در بی سرنوشتی بسر می‌برند. پیتتر داتن حزب کارگر را مسئول طولانی شدن روند بررسی درخواست پناهجویان عنوان کرد و گفت ممکن یک دهه طول بکشد تا این مسئله نهایی شود.

پیتتر داتن وزیر مهاجرت و سرحدات استرالیا گفت همانطوری که سرولسامان دادن به مشکلات اقتصادی استرالیا به ازسوی حزب کارگر به ما به میراث رسیده نیاز به یک دهه وقت دارد، ممکن است مسئله بررسی درخواست‌های پناهجویانی

ان بودند در استرالیا آغاز کردند. با گذشت هرسال و سرازیر شدن سیل از پناهجویان به استرالیا و همچنین افزایش مرگ و میر پناهجویان در مسیر استرالیا شرایط پناهنده گی درین کشور نیز به تدریج پیچیده تر شد. با وجود پیچیده تر شدن شرایط پناهنده گی در استرالیا سیل از مهاجرت‌ها به استرالیا همچنان ادامه یافت تا آنکه در فاصله میان سالهای ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ به اوج خود رسید. پناهجویان درین سالها بدون در نظر داشت مشکلات پناهنده گی در استرالیا عمدتا تحت تبلیغات قاچاقبران انسان سیل اسسا به طرف استرالیا سرازیر شدند. تراکم درخواست‌های پناهنده گی پناهجویان کار بررسی این درخواست‌ها را برای حکومت استرالیا نیز دشوار ساخت. به تازه گی معلومات از داخل استرالیا به بیرون درز کرده است که نشان میدهد که درخواست‌های ده ها هزار پناهجو تا اکنون بدون بررسی باقی مانده و سرنوشت این پناهجویان تا اکنون در هاله ای از ابهام قرار دارد. حکومت استرالیا نیز تایید کرده است که ده ها هزار پناهجو که طی سالهای گذشته در استرالیا در خواست پناهنده گی داده اند همچنان در بی سرنوشتی به سر می‌برند. پیتتر داتن وزیر مهاجرت و سرحدات استرالیا میگوید که از مجموع سی هزار در خواست پناهنده گی که از دوران حکومت حزب کارگر باقی مانده بود، تا اکنون فقط به درخواست پناهنده گی حدود دوهزار آنان رسیده گی صورت گرفته است.



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود.

مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگتر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتوربست: خالق علی زاده

دیزاین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۱۳۷

The Daily Afghanistan
Outlook
AFGHANISTAN
The Leading Independent Magazine